

# زمینگیر شدن «تل آویو» در پی سیاست مبتکرانه منطقه ای



## تحلیل

یکی از مهم ترین پرونده های سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوره ریاست جمهوری آیت الله سید ابراهیم رئیسی، انزوای رژیم صهیونیستی بوده که از بستر تغییر ریل گذاری در مسیر روابط همسایگی، منطقه ای و فرامنطقه ای حاصل شده است. می توان شاخصه های این تغییر ریل گذاری و بازطراحی را در چند محور ارزیابی کرد؛ مواردی مانند توجه به ظرفیت های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دولت در روابط دوجانبه با همسایگان، اتخاذ رویکرد چند جانبه گرایانه در سطح منطقه ای و خنثی کردن طرح های ائتلافی گذشته علیه ایران، تلاش برای برقراری توازن میان شرق و غرب، احیای روابط با کشورهای منطقه که در گذشته ذیل متحدان آمریکا تعریف می شدند، میانجیگری برای برقراری صلح و روابط دوستانه میان سایر کشورهای منطقه و پرهیز از نگاه های سهل انگارانه مانند دل بستگی به یک قطب قدرت و بی توجهی به قطب های دیگر از جمله مواردی هستند که یکی از خروجی های نهایی آنها زمینگیر کردن رژیم صهیونیستی و انزوای آن در منطقه و سطوح بالاتر است.

### رابطه ایران و عربستان؛ عصبانیت صهیونیست ها

دومین رخداد محوری که در سطح منطقه و با میانجیگری یک بازیگر تراز اول بین المللی روی داد، بازسازی رابطه ایران و عربستان با وساطت چین بود. این اتفاق غیرمنتظره درست در زمانی رخ داد که صهیونیست ها بشدت روی طرح های عادی سازی روابط با دولت های عربی حساب باز کرده و به ثمربخشی آنها دلخوش بودند و از سوی دیگر، آمریکا نیز منتظر نهایی شدن اجرای معاهدات عادی سازی بود تا رسماً پس از اغتشاشات سال ۱۴۰۱ و تضعیف ایران، نقطه ثقل حضور خود را از غرب آسیا به اطراف دریای چین منتقل کند. دولت بایدن پیش از آن در سند امنیت ملی خود حتی چین را به عنوان اصلی ترین تهدید علیه منافع ایالات متحده اعلام کرده بود؛ اما با ترمیم رابطه عربستان و ایران و به تبع آن، احیا و توسعه و تعمیق سایر کشورهای منطقه با ایران، عملاً تمام این طرح ها نقش بر آب شدند و اسرائیل به طرز بی سابقه ای پس از کمپ دیوید دوباره وارد حصار تنگ انزوا شد.

پس از این اتفاق، امریکایی ها به ترمیم عربستان روی آوردند و جیک سالویان، مشاور امنیت ملی بایدن را با هدف مدیریت همین پرونده به ریاض اعزام کردند که در نهایت، به در بسته خوردند و «خالد الفالح»، وزیر سرمایه گذاری سعودی با این گفته که «رابطه عربستان با آمریکا به قیمت تمام شدن روابط این کشور با سایر کشورها نخواهد بود، بلکه تصمیمات سعودی براساس منافع خود است» نشان داد که طرف سعودی در ترمیم رابطه اش با ایران مصمم است. درهمین حال روزنامه «رأی الیوم» چاپ لندن،

### سفر رئیسی به سوریه و استحکام بخشی به محور مقاومت

یکی از رویدادهای تاریخی و نمادین در سطح منطقه که دامنه پیام های آن یقیناً فراتر از منطقه را هم فراگرفت، حضور رئیس جمهور کشورمان در سوریه بود. این اتفاق که پس از ۲۱ سال رخ می داد و رئیسی اولین رئیس جمهور یک کشور بود که پس از بحران سوریه به دمشق رفته بود، از یک سو، نماد سیاست خارجی ظفرمندان جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر، نماد شکست و ناکامی طرح ها و راهبردهای امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی و متحدانشان علیه محور مقاومت بود.

طبیعتاً نخستین سیگنالی که از فلسطین اشغالی پس از این رویداد به بیرون مخابره شد، ابراز نگرانی محافل سیاسی و رسانه ای نسبت به تحکیم قدرت و موقعیت ایران در منطقه و ایجاد یک هماهنگی عملیاتی بی سابقه میان اجزای محور مقاومت بود. شبکه ۳۱ رژیم صهیونیستی سفر رئیسی به سوریه را بسیار استثنایی خواند و اعلام کرد این سفر، رژیم صهیونیستی را نگران کرده است، بخصوص اینکه این اولین سفر رئیس جمهور ایران به سوریه بعد از سال ۱۱۰۲ به شمار می رفت. به اعتقاد این رسانه صهیونیستی جمهوری اسلامی ایران خواهان یکپارچه و متحد کردن محور ایران- حزب الله- حماس- جهاد اسلامی است و این باعث می شود که برنامه جدیدی درخصوص سیاست خاورمیانه پیاده کند. از قضا همزمان با این تحولات بود که بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی مدعی شد که «این رژیم به ایران اجازه خفه کردنش را نخواهد داد».

اهداف سفر سالویان به ریاض، تلاش برای احیای پروژه تشکیل جبهه منطقه ای برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران و پیگیری طرح عادی سازی رابطه با رژیم صهیونیستی را مورد توجه قرار داد و در گزارشی نوشت: «امریکا، عربستان را به عنوان همپیمان سنتی و ۰۳ ساله خود از دست داده و در حال حاضر در تلاش است که این رابطه را ترمیم کند؛ چرا که محمد بن سلمان به آمریکا پشت کرد و به شرق یعنی چین و روسیه گرایش پیدا کرد و روابط خود را با همسایه خود ایران، از سرگرفت؛ مسأله ای که بزرگترین اهرم باج خواهی آمریکا بود یعنی پراکندن بذر فتنه سیاسی و مذهبی بین تهران و ریاض.»

مقام های امریکایی پس از آنکه سیاست تطمیع ناکام ماند، به تهدید عربستان روی آوردند و همان طور که می شد پیش بینی کرد، از اهرم های نرم افزاری مانند فشارهای حقوق بشری علیه دولت سعودی استفاده کردند. ضمن اینکه پیش از توافق تهران و ریاض نیز سعودی ها با درخواست دولت بایدن مبنی بر افزایش تولید نفت توسط اعضای اوپک پلاس برای مجازات روسیه در مهر ماه سال گذشته مخالفت کرده بودند که شدیداً موجبات نارضایتی امریکایی را فراهم کرده و در تغییر رفتار ایالات متحده با متحد سنتی خود در منطقه مؤثر بود.

اخیراً نیز روزنامه انگلیسی «گاردین» در گزارشی پیرامون توافق ایران و عربستان، نشانه های ریز و درشت در روند آشتی جوانانه میان تهران و ریاض را واقعی و صادقانه دانسته و آن را الگویی برای تداوم این مسیر برای سایر کشورهای منطقه عنوان کرد. «گاردین» با تأکید بر اینکه نتایج این توافق برای منطقه به صورت شتابان به پیش خواهد رفت، تصریح کرد که این اتفاق می تواند مهر تأییدی بر کاهش نفوذ واشنگتن و تضعیف اسرائیل در منطقه باشد.

در نتیجه روند پویای دیپلماتیک ایران به گونه ای صورت گرفته که سبب شده رژیم صهیونیستی نتواند برای جلوگیری از تحولات پرشتاب کنونی حتی روی آمریکا به عنوان متحد راهبردی خود حساب باز کند؛ طنزآمیزتر اینکه آمریکا نیز در این وضعیت، خصوصاً بعد از نازاری های داخلی رژیم صهیونیستی نشان داده تمایلی به پشتیبانی از اسرائیل نداشته و حاضر نیست هزینه جاه طلبی های سیاسی نتانیاهو را متحمل شود، حتی پس از تقاضای التماس گونه «بی بی» از امریکا مبنی بر اینکه «لااقل نقش فعالتری علیه ترمیم رابطه ایران و عربستان ایفا کند»...



بازسازی رابطه  
ایران و عربستان  
با وساطت چین  
بود. این اتفاق  
غیرمنتظره درست  
در زمانی رخ داد  
که صهیونیست  
ها بشدت روی  
طرح های عادی  
سازی روابط با  
دولت های عربی  
حساب باز کرده و  
به ثمربخشی آنها  
دلخوش بودند  
و از سوی دیگر،  
امریکا نیز منتظر  
نهایی شدن اجرای  
معاهدات عادی  
سازی بود تا رسماً  
پس از اغتشاشات  
سال ۱۴۰۱ و تضعیف  
ایران، نقطه ثقل  
حضور خود را از  
غرب آسیا به اطراف  
دریای چین منتقل  
کند